



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۰۷	تاریخ	۱۴۰۴/۰۲/۲۲
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس پیشین

بحث ما در نسبت بین خبر الزامی - که لزوم عمل به آن از علم اجمالی ناشی می شود - و اصل الزامی بود که با یکدیگر متخالف هستند؛ یکی ایجابی و دیگری تحریمی. این نیز دو صورت دارد: خبر ایجابی و اصل تحریمی، یا خبر تحریمی و اصل ایجابی. اینکه کدام ایجابی یا تحریمی باشد، در کلیت بحث تفاوت اساسی ایجاد نمی کند. همچنین گفتیم اصل الزامی یا استصحاب حالت سابق است یا اصالة الاشتغال.

بحث حالتی که اصل الزامی، استصحاب باشد در جلسه قبل مطرح شد و نتیجه گرفته شد که خبر - با حجیت از علم اجمالی - بر آن مقدم می شود به بیانی که در جلسه گذشته توضیح داده شد.

بحث امروز، که دقیق تر و پیچیده تر است، در موردی است که اصل الزامی، اصالة الاشتغال باشد و خبر الزامی - با حجیت از علم اجمالی - مخالف با مقتضای آن باشد.

صورت دوم: اصل الزامی، اشتغال باشد

فرض بحث در تخالف خبر الزامی و اصل الزامی است در صورتی که اصل الزامی، اشتغال باشد. استاد شهید، مثال هایی برای این مورد بیان می کنند اما به نظر می رسد که مثال نماز جمعه و ظهر، اقرب به ذهن است. بیان این مثال چنین است: از یک طرف، علم اجمالی به وجوب یا نماز ظهر یا نماز جمعه در روز جمعه وجود دارد. مقتضای این علم اجمالی، اصالة الاشتغال و لزوم احتیاط و انجام هر دو نماز است. از طرف دیگر خبری دال بر «حرمت» نماز جمعه وجود دارد. حجیت این خبر تحریمی نیز از ظرفیت آن نسبت به علم اجمالی به وجود اخبار تحریمی مطابق با واقع، در میان انبوهی از اخبار تحریمیه ناشی می شود. در نتیجه، خبر، دلالت بر حرمت نماز جمعه دارد و از طرف دیگر علم اجمالی به وجوب نماز جمعه یا ظهر وجود دارد و مقتضای اصل اشتغال، اتیان هر دو نماز است.

تحلیل تعارض

تعارض در این فرض، در حقیقت تعارض بین دو علم اجمالی در ماده الاجتماع (نماز جمعه) است. زیرا از یک سو، علم اجمالی (الف) به وجوب «یا جمعه یا ظهر» وجود دارد که مقتضی احتیاط است. از سوی دیگر، خبری با حجیت از علم اجمالی دیگر (ب) وجود دارد که دلالت بر حرمت نماز جمعه می‌کند. به عبارت دیگر علم اجمالی (الف) نماز جمعه را به عنوان یکی از دو طرف واجب احتیاطی، الزام به اتیان می‌کند. علم اجمالی (ب) از طریق خبر، حکم به حرمت همین نماز جمعه و لزوم ترک آن می‌کند، به عنوان یکی از اطراف علم اجمالی به وجود محرمات.

اینجا دو مسئله مطرح می‌شود:

۱. تکلیف در «ماده الاجتماع» این دو علم اجمالی (نماز جمعه) چیست؟
۲. تکلیف در «ماده الافتراق» هر یک از این دو علم اجمالی چیست؟ ماده افتراق علم اجمالی الف، نماز ظهر است و ماده افتراق علم اجمالی ب، سایر اخبار تحریمی محتمل است.

الف. تکلیف در ماده الاجتماع (نماز جمعه)

گفته می‌شود در ماده الاجتماع، تنجیز هر دو علم اجمالی ساقط می‌شود؛ یعنی هیچ‌یک از این دو علم اجمالی در خصوص نماز جمعه منجز نیست؛ زیرا معقول نیست که حق الطاعة مولا ایجاب کند که همزمان هم به مقتضای علم اجمالی به وجوب (اتیان نماز جمعه) عمل شود و هم به مقتضای علم اجمالی به حرمت (ترک نماز جمعه)؛ این جمع بین نقیضین و محال است. چون امثال هر دو در این نقطه محال است، از دائرة حق الطاعة مولا خارج شده و هر دو علم اجمالی نسبت به این ماده از تنجیز می‌افتند.

[در اینجا بحثی بین استاد و یکی از شاگردان پیرامون معنای حق الطاعة و نسبت آن با مولویت و حکم عقل مطرح شد. خلاصه آنکه: حق الطاعة، حکمی عقلی است که از خالقیت و مالکیت مولا ناشی می‌شود. اگر اطاعت در موردی عقلاً محال باشد، حکم عقل به لزوم اطاعت در آن مورد خاص نیز وجود نخواهد داشت. این به معنای محدود شدن مولویت ذاتی مولا نیست؛ بلکه به معنای عدم فعلیت حکم عقل به لزوم اطاعت در فرض استحاله است].

بنابراین ترجیح یکی از این دو علم اجمالی بر دیگری در ماده الاجتماع، ترجیح بلا مرجح و عقلاً قبیح است. لذا هر دو از تنجیز می‌افتند.

[در پاسخ به سوال یکی از شاگردان:] در حکومت، نیاز به لفظ است؛ یعنی لفظ دلیل باید به گونه‌ای باشد که دلالت بر حکومت حاکم بر محکوم کند؛ اما فرض این است که لزوم عمل به خبر در اینجا، با دلیل حجیت ثابت نشده، بلکه با علم اجمالی به وجود الزامیات حجیت شده است؛ در نتیجه لفظ روایت، حجیت ندارد؛ بلکه عمل به محتوای آن که حکم الزامی است، توسط علم اجمالی، لازم شده است. حکومت، ورود، تخصیص و... مربوط به عالم اثبات است؛ یعنی مربوط به عالم دلیل و لفظ است؛ نه عالم مدلول. سروکار ما در اینجا، در مورد مدلول است؛ نه دلیل؛ گرچه دلیل خبر است؛ اما ما از ناحیه اینکه خبر است به آن تمسک نمی‌کنیم؛ بلکه از این جهت که حکمی است که با علم اجمالی، گردن گیر ما شده است آن را مورد بحث قرار می‌دهیم.

بنابراین، در ماده اجتماع (نماز جمعه)، هر دو علم اجمالی از منجزیت ساقط می شوند؛ زیرا ترجیح یکی بر دیگری، ترجیح بلا مرجح است و تنجیز هر دو نیز محال است؛ در نتیجه، هیچ کدام در اینجا منجز نیستند و برای تعیین تکلیف باید به اصل فوقانی - در صورت وجود - رجوع کرد.

ب. تکلیف در ماده الافتراق

اما تکلیف در ماده الافتراق چیست؟ آیا سقوط تنجیز در ماده الاجتماع، به ماده الافتراق نیز سرایت می کند؟ مثلاً آیا علم اجمالی (الف) که نسبت به وجوب نماز جمعه از تنجیز افتاد، نسبت به وجوب نماز ظهر (ماده افتراقش) نیز از تنجیز می افتد؟ و همچنین نسبت به علم اجمالی (ب) و سایر اطراف آن (سایر اخبار تحریمی محتمل)؟ این بحث مفصلی است که ان شاء الله در جلسه آینده به آن پرداخته خواهد شد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين